

یادداشت

چند نکته درباره کار خانگی

نجمه واحدی ـ فعال حوزه زنان

● «کار خانگی» در ساده‌ترین تعریف خود، مجموعه کارهایی است که جامعه عموماً آنها را تحت عنوان «خانه‌داری» می‌شناسد؛ یعنی کارهایی شامل بخت‌ویز و شست‌وشو و رخت‌وپوش و نظم‌دادن و مرتب‌کردن خانه. اما اگر بخواهیم تعریف دقیق‌تر و تخصصی‌تری از آن داشته باشیم، می‌توان این‌طور گفت که ما به‌طور کلی دو نوع «کار» داریم؛ کارهای تولیدی و کارهای بازتولیدی. کارهای تولیدی به کارهایی گفته می‌شود که شامل تولید کالاها و خدمات در جامعه می‌شود و عموماً همان چیزی است که ما نام «شغل» بر آن می‌گذاریم؛ هرچند بعضی از کارهای تولیدی، ممکن است کار اجباری یا بیکاری ... باشند که در واقع شغل نیستند. اما کار بازتولیدی» به آن دسته کارهایی گفته می‌شود که هر شخصی که مشغول به «کار تولیدی» است، برای بقا و استمرار فعالیت‌های خود به آن کارها نیاز دارد. در واقع بدون کار بازتولیدی (که ضامن بقای حیات و بقای فعالیت اشخاص است) تولیدی‌ای هم وجود نخواهد داشت. کار بازتولیدی، همان کار خانگی است. فراهم‌کردن نیازهای اولیه‌ای مانند تغذیه و بهداشت و به‌طورکلی فراهم‌کردن امکان استراحت، آسایش و تجدید قوا برای هر شخص.

همان‌طور که توضیح داده شد، «کار تولیدی» اغلب در عرصه عمومی رخ می‌دهد، منجر به تولید کالا و خدماتی می‌شود که مانند کارهای بازتولیدی، روتین، همیشگی و مشابه نیستند. مهم‌تر از همه اینکه کار بیرون از منزل یا «اشتغال»، برای افراد، دستمزد و منزلت اجتماعی به همراه دارد و هر فرد شاغلی به عنوان یک نیروی کار، صاحب مزایایی دانسته می‌شود. کار خانگی، متأسفانه به دلیل ماهیتش، از «ساعت کار»، «محل کار مجزا»، «روز تعطیل»، «مرخصی»، «بازنشستگی» و دیگر مزایای یک شغل بی‌بهره است و هرچند شاید جامعه به لحاظ معنوی کار خانگی را ارزشمند و پرزحمت بداند، اما واقعیت این است که کار خانگی و اشتغال بیرون از منزل، به‌طور متعادل در دوکفه یک ترازو قرار نمی‌گیرند.

ریشه زناهن‌دانستن کار خانگی را باید در نابرابری جنسیتی و تبعیض‌های جنسیتی تاریخمندی جست‌وجو کرد که طبق انگاره‌ای غلط، مردان را برای برهم‌زدن از ثروت، قدرت و منزلت، بالاتر و برتر از زنان می‌انگارد. واقعیت این است که کار خانگی «رایگان» یا خود سودهای کلانی هم برای دولت‌ها و هم غالب تجارت‌ها به همراه دارد. در دوگانه‌های تبعیض‌آمیزی که جامعه می‌سازد، مانند خرد/احساس، عرصه عمومی/عرصه خصوصی، قدرت/طرفات، متأسفانه اشتغال‌کار خانگی هم یک امر دوگانه در نظر گرفته می‌شود که متأسفانه به خاطر قدرت، ثروت و مزایای کمتری که کار خانگی با خود به همراه دارد، سهم آن نیمه‌ای از جامعه می‌شود که همیشه به شکل تبعیض‌آمیزی از امکانات و فرصت‌ها محروم می‌مانند و چون هر واحد خانواده به کار خانگی (یا همان کار بازتولیدی) نیازی بنیادین دارد، درون هر خانواده که مرد و زنی حضور دارند، سهم زنان، کار خانگی می‌شود! کار خانگی، به کار بدنی و کار عاطفی تقسیم می‌شود. کار عاطفی، اختصاص وقت، انرژی و احساس برای برطرف‌کردن مشکلات و نیازهای عاطفی دیگران، برطرف‌کردن مشکلات روحی و پاسخ‌دادن به نیازهای عاطفی است. «کار عاطفی» همان‌طور که گفته شد همراه و به موازات کار بدنی انجام می‌شود و به همین دلیل است که رؤیت‌ناپذیر باقی می‌ماند. به‌طور مثال در خانه نه تنها غذا پخته می‌شود، بلکه این غذا با توجه به حساسیت‌های غذایی خانواده، ذائقه غذایی آنها، بیماری‌های خاص و وضعیت سلامتشان، به شکل و نوع خاصی پخته می‌شود. تغذیه، پوشاندن، شست‌وشو و مراقبت از کودک وجهی است که با وجه دیگر یعنی درک‌کردن نیازهای عاطفی و احساسی کودک انجام می‌شود. رابطه متقابل دارد. پرستاری از یک کودک را نمی‌توان صرفاً یک کار بدنی دید، چراکه قطعاً با توجه به نیازهای عاطفی و احساسی کودک انجام می‌شود. عاطفی‌بودن کار خانگی، همان وجهی است که جدا از اینکه اختصاص دستمزد به کار خانگی را سخت یا شاید غیرممکن می‌کند، برون‌سپاری کامل آن را نیز به بازار دشوار می‌کند. در واقع کار خانگی، نیاز به یک مدیریت عاطفی و ذهنی هم دارد. علاوه بر کارهای بدنی‌ای که شامل می‌شود. همان‌طور که اشاره کرد، «شغل» انگاشتن کار خانگی، در حالی‌که این کار، هیچ‌کدام از ویژگی‌های یک شغل را ندارد، کمکی به بهبود وضعیت آن نخواهد کرد. اختصاص دستمزد به کار خانگی (برای کاری همیشگی و بدون روز تعطیل و بدون مرخصی و بازنشستگی و...) یا اختصاص بیمه به کار خانگی که اصلاً دستمزدی ندارد که فرد فاعل آن از پس پرداخت حق بیمه آن برآید، رهاکار خانگی ساده‌انگارانه و غیرعملی و البته غیرمفید هستند. یک راه بیشتر پیش‌روی ما نیست؛ همان‌طور که تلاش می‌کنیم برابری و فرصت‌های تحصیل و اشتغال را برای مردان و زنان در جامعه یکسان کنیم و تلاش می‌کنیم تا انگاره‌های ذهنی غلط خود که مردان را برای برخورداری از ثروت و منزلت و قدرت، لایق‌تر می‌داند، اصلاح کنیم. باید برای «مشارکت در کار خانگی» بین زنان و مردان به یک اندازه، تبلیغ کنیم و جامعه را آگاه کنیم که سپردن «کار بازتولیدی» به یک جنس، و بهره‌گرفتن از مزایای رایگان بودن این کار، تا چه میزان می‌تواند در طول حیات یک جنس، او را در انجام فعالیت‌ها و پیشرفت در زندگی‌اش محدود کند.

شرق: «نگاه ما به حجاب مجرمانه نیست، موضوع جلسه بعدی شورای اجتماعی کشور حجاب خواهد بود. در این جلسه به دنبال ارائه گزارش‌های تحلیلی و علت‌شناسانه در زمینه حجاب هستیم». این اظهارنظر و خبر را که روز گذشته وزیر کشور اعلام کرد، به نظر باید واکنش رسمی دولت درباره به‌بحث‌گذاشتن مسئله حجاب دانست که در روزهای اخیر گفت‌وگوهای زیادی درباره مسئله اجباری‌بودن آن در قانون مطرح شد.

در ماه‌های اخیر مسئله حجاب و واکنش‌های موافقان و مخالفان شکل دیگری به خود گرفته است. در ماه‌های گذشته حرکتی نمادین موسوم به «دختران خیابان انقلاب» در اعتراض به حجاب اجباری بارها خبری شده است، در مقابل این دختران عده‌ای از موافقان حجاب اجباری نیز به شیوه‌های دیگری به این اعتراض واکنش نشان دادند. هرچند وزیر کشور تأکید دارد که نگاهشان به مسئله حجاب مجرمانه نیست، اما بازداشت‌های دختران خیابان انقلاب و گواهی خود پلیس مبنی‌بر بازداشت ۲۹ نفر از دختران خیابان انقلاب نشان می‌دهد که هنوز دستوری از بالا برای مدارا صادر نشده است. در روزهای گذشته همچنین پروانه سلحشوری، رئیس فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی، با اعلام اینکه کارگروهی برای رسیدگی به خواسته‌های دختران خیابان انقلاب تشکیل می‌شود، گفته است: «من معتقدم برخورد پلیس مناسب نبوده است؛ از سوی دیگر تصور می‌کنم انتساب آنها به افرادی که در خارج از کشور هستند نیز صحیح نیست، چراکه آنها خارج از گود و در موقعیتی امن هستند. برنامه من این است که بعد از آغاز سال نو یک کارگروه در فراکسیون زنان تشکیل بدهیم و از اصحاب فکر و دست‌اندرکاران؛ مانند قوه قضائیه، نیروی انتظامی، معاونت زنان، مرکز پژوهش‌ها، مشاور حقوق شهروندی ریاست‌جمهوری، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و فعالان مدنی دعوت کنیم و برای این مطالبه جاره‌ای ببنیدسیم».

عبدالرضا رحمانی‌فضلی، وزیر کشور، در نودوهشتمین جلسه شورای اجتماعی کشور با اشاره به اینکه نگاه ما به حجاب مجرمانه نیست، خبر داد که موضوع جلسه بعدی شورای اجتماعی کشور حجاب است. باید توجه کنیم که جامعه ما یک جامعه متدین و علمای ما مورد توجه هستند. آنان اخیراً نگرانی‌ها و دغدغه‌هایی در حوزه حجاب داشتند، البته این نگرانی همه ماست، چون دلایل اجتماعی یک جامعه متدین باید طبق آموزه‌های

معصومه اصغری: با تصمیم شورا و شهرداری تهران قیمت بلیت مترو تهران برای سال آینده تا ۲۵ درصد افزایش پیدا کرد و قیمت بلیت تک‌سفره از ۸۰۰ به هزار تومان و قیمت بلیت حومه هزار و ۵۰۰ و قیمت بلیت متروی فرودگاه امام خمینی (ره) هفت‌هزار و ۵۰۰ تومان تصویب شد؛ به عبارت‌ی بر اساس این تصمیم تهرانی‌ها کرایه بیشتر در سال ۹۷ را برای همان وضعیت قبلی مترو می‌پردازند.

حال مترو خوب نیست، حال مردم در مترو خوب

نیست و برای این بهترشدن حال این یکی باید حال

آن یکی سخت‌تر شود. این وضعیت امروز ماست که

می‌توان آن را به تاکسی و اتوبوس هم تسری داد.

مترو با سهم سه قسمتی دولت، شهرداری و مردم

اداره می‌شود اما واقعیت تلخ این است که در همه

سال‌های گذشته دولت از سهم خودش همیشه کم

گذاشته یا اصلاً پرداخت نکرده و مدیریت شهری هم

همواره برای فشار کمتر به مردم نرخ تعیین‌شده

را کمتر از سهم واقعی مردم تعیین کرده است اما

از چند سال قبل هر دو سهم مدیریت شهری به دنبال

افزایش قیمت‌ها و مشارکت‌دادن بیشتر مردم در

پرداخت این سهم بوده و هنوز هم هست.

سال گذشته شورای شهر چهارم شهر تهران در

ماه‌های پایانی دوره مدیریت اصولگرایان در شهر

تهران تصمیم گرفتند تا بلیت دوسفره تنها برای

خط فرودگاه امام خمینی (ره) و مهرآباد در نظر

گرفته شود و بلیت دوسفره از سایر مسیرها جمع

شود. بلیت یک‌سفره فرودگاه امام خمینی (ره)

شش هزار تومان و بلیت دوسفره ۱۰ هزار تومان

در نظر گرفته شد. همچنین بلیت تک‌سفره داخل

شهر تهران و همچنین بلیت مترو حومه (کرج) هزار

تومان در نظر گرفته شد. این تغییر ۱۹ درصدی در

قیمت بلیت مترو البته در موعد مقرر خود اجرایی

نشد چون قرار بود در سال ۹۶ انتخابات برگزار شود

و به همین دلیل تیرماه مصوبه اجرایی و کرایه‌ها در

حمل‌ونقل عمومی اجرایی شدند. آنچه در سال ۹۶

روی قیمت‌ها آمد، در مقایسه با افزایش ۲۳درصدی

سال ۹۵ افزایشی نبود اما همان میزان هم روی

سبد هزینه خانوار تأثیر زیادی داشت. حالا اما

مدیریت شهری جدید به دنبال افزایش ۲۵درصدی

حمل‌ونقل عمومی است و با این تصمیم که

احتمالاً هم‌زمان با تغییرات قابل‌توجه در برنامه

طرح ترافیک و طرح زوج و فرد است، فشار مالی و

موقعیتی را برای شهروندان ایجاد و تشدید کرد.

جامعه

وزیر کشور:

طرح مسئله حجاب در شورای اجتماعی کشور

دینی و قوانین مربوط به آن جامعه باشد. وی ادامه داد: در سال‌های اخیر تحولات اجتماعی و تغییر در سبک زندگی باعث ایجاد سرعت در تحولات مربوط به مظاهر اجتماعی، به‌ویژه در حجاب شده است که ما هم متولی آن هستیم و باید پیش‌بینی‌ها و اقدامات لازم و هم ارزیابی و تحلیل درست از جامعه در این زمینه داشته باشیم.

وزیر کشور در ادامه گفت: وزارت کشور به این موضوعات ورود می‌کند، اما ورود ما به‌عنوان بخشی از دولت ختم مسئله محسوب نمی‌شود و نگاه ما به بحث حجاب یک نگاه مجرمانه و جرم‌انگارانه نیست، بلکه از نظر ما حجاب یک مسئله فرهنگی است و باید به آن با حساسیت پرداخته شود. رحمانی‌فضلی با اشاره به تشکیل جلسه شورای اجتماعی کشور در دو هفته آتی اظهار کرد: تقاضا می‌کنم در جلسه بعدی به مطالعات دقیقی که پیش از این روی بحث حجاب انجام شده، پرداخته شود. وزیر کشور تأکید کرد: گزارش‌های تحلیلی و علت‌شناسانه و راه‌حل‌های قابل‌اجرا در این حوزه باید ارائه شوند. این راه‌حل‌ها لزوماً نباید ختم به نیروی انتظامی شود، چون اینها برای مواقع اضطرار است و نمی‌توانیم برای هر موضوعی مقابل افراد بایستیم. وی افزود: در چنین موضوعاتی نیروی انتظامی و قوه قضائیه به‌تنهایی کافی نیستند و در این موضوعات مردم و مشارکت مردمی باید محور اصلی قرار گیرد. وزیر کشور در ادامه اظهار کرد: ۹۴ درصد مردم ایران متدین و معتقد به حجاب هستند، بنابراین باید بدانیم چطور برخورد کنیم که مظاهر عینی آن جلوه بیشتری داشته باشد.

رحمانی‌فضلی در ادامه اظهار کرد: بهتر است در جلسات شورای اجتماعی به‌جای ارائه گزارش اقدامات، به راه‌حل‌ها و اینکه چه‌کار باید بکنیم پرداخته شود. همه اعضا نیز نظرات خود را صادقانه و روشن در این زمینه اعلام کنند. حتی اگر نظرات متفاوت باشد هم هیچ اشکالی ندارد، چون ممکن است نظرات متفاوت ما را به راه‌حل‌های متفاوت برساند.

وزیر کشور در پایان با بیان اینکه موضوع جلسه بعدی حجاب خواهد بود، تأکید کرد: موضوع اصلی این است که از حجاب به‌عنوان یک امر دینی حمایت و صیانت کنیم.

درحالی‌که وزیر کشور اعلام می‌کند که نگاه دولت به حجاب مجرمانه نیست، اما فارغ از دستگیری معترضان اخیر به حجاب، در سال‌های اخیر حضور گشت‌های ارشاد و دستگیری موقت دختران و ارجاع آنها به پلیس

امنیت اخلاقی و تهیه پرونده قضائی درباره آنها چیز دیگری می‌گوید.

قانون درباره حجاب چه می‌گوید؟

«شرق» در پاسخ به این سؤال که از چه زمانی در کشور حجاب اجباری شد، می‌گوید: «از ۱۴ تیرماه ۱۳۵۹ و پیش از فراگیرشدن حجاب اسلامی، ورود زنان بی‌حجاب به اداره‌های دولتی نیز ممنوع شد. تا اینکه از ابتدای دهه ۶۰ حفظ حجاب و پوشش اسلامی در ایران به شکل فراگیر همگانی شد. نخستین اظهارنظر درباره حجاب و پوشش اسلامی در اسفند ۱۳۵۷ در روزنامه اطلاعات بود که در آن بیانات رهبر انقلاب را منعکس کرد. ایشان اظهار کرده بودند که اشتغال زنان در ادارات دولتی مانعی ندارد، اما حضورشان بدون حجاب ممنوع است. در پی این تذکرات مداوم و دستورات مکرر بود که کارمندان ادارات دولتی موظف به رعایت حجاب شدند، اما در سال ۱۳۶۰، در بند ۵ ماده ۱۸ قانون بازداری نیروی انسانی مؤسسات دولتی و وزارتخانه‌های وابسته به دولت، بی‌جانبی به‌عنوان تخلف شناخته شد.» وی در ادامه افزود: تا سال ۱۳۶۲ هیچ قانونی در مورد حجاب و عفاف به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسید و اولین قانونی که درخصوص پوشش زنان، در کشور به تصویب رسید، ماده ۱۰۲ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲ بود. در این قانون آمده بود: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به تعزیر تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهند شد.» وی گفت همچنین ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ را می‌توان یکی از مهم‌ترین قوانین راجع به حجاب دانست. به موجب این ماده: «هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر، تظاهر به عمل جرمی نماید، علاوه‌بر کیفر عمل، به حبس از ۱۰ روز تا دو ماه یا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نیست ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید، فقط به حبس از ۱۰ روز تا دو ماه یا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.» در تبصره این ماده که همان ماده ۱۰۲ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲ است، آمده: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ۱۰ روز تا دو ماه و یا از ۵۰ هزار ۵۰۰ تا هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.»

کنار گذاشته نشده و اخیراً شهردار تهران در تفاهمی

با وزیر نفت به هم قول دادند که اگر شهردار تهران

با تأمین واکن تعداد سفرها را افزایش دهد، وزارت

نفت به ازای هر سفر ۹٫۸ سنت پرداخت می‌کند.

البته همه اینها منوط به موفقیت شهرداری تهران

در تأمین اعتبار برای خرید واگن و آوردن آنها به

داخل تونل‌های مترو تهران است که حداقل تا سال

۹۸ افق روشنی برای آن دیده نمی‌شود.

یکی از اعتراضات به حق شهرداران تهران از

سال‌ها قبل (از دورانی که مترو تهران به بهره‌برداری

رسید) به دولت‌ها بی‌توجهی آنها به پرداخت

سهم توسعه‌ای مترو و سهم یارانه مترو بوده

است. چه زمانی که محمود احمدی‌نژاد شهردار

و محمد خاتمی رئیس‌جمهور بود، چه زمانی که

محمدباقر قالیباف شهردار و محمود احمدی‌نژاد و

در ادامه حسن روحانی رئیس‌جمهور بودند و چه

حالا که دیگر شهردار رقیب رئیس‌جمهور نیست،

شهرداران و رؤسای‌جمهور درباره سهم و حق

مردم بر شری نتوانستند با هم کنار بیایند و قدیمی

بیشتر در جهت رفاه شهروندان در پایتخت بردارند.

در دوره‌ای پرداخت سهم توسعه‌ای و یارانه مترو

تبدیل به گروکشی سیاسی شد و در دوره‌ای دیگر

ردیفی قابل حذف با این تفکر بوده و هنوز هست

که اگر پرداخت نشود، اتفاقی نمی‌افتد یا شهرداری

از پول مردم می‌دزد یا مردم خودشان از جیب

خودشان می‌دهند. در ابتدای فعالیت محمدعلی

نجفی، شهردار تهران با این تصور که دیگر تقابلی

بین دولت و شهرداری تهران وجود ندارد، این

امید زیاد بود که بسیاری از مشکلات شهر تهران

از جمله حمل‌ونقل عمومی به سرنوشتی مطلوب

می‌رسند و نتیجه انتخاب‌های مردم در زندگی

روزمره آنها دیده می‌شود اما در همین چند ماه

بدقولی‌ها و بی‌پولی‌های دولت زیاد و خبرهای

خوب از هیئت دولت و جلسات مشترک شهردار

تهران کم و کمتر شد. در عوض یکی دیگر از

حس و گمان‌ها درباره برنامه‌های مدیریت شهری

جدید یعنی گرفتن هزینه اداره پایتخت از ساکنان

پایتخت هر روز بیشتر و بیشتر اجرایی می‌شود و

به نظر می‌رسد این تأکید شورا و شهرداری تهران

در دوره جدید بر افزایش قیمت‌های حمل‌ونقل

به‌خصوص مترو در شرایطی که زیرساخت‌های

حمل‌ونقلی ناقص، کم یا معیوب هستند، به این

تصمیم بیشتر تکیه می‌کند.



علی‌اکبر

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی

رحمانی‌فضلی